

"ارزش اضافه"

ستون فقرات "کاپیتال"

ف. م. جوانشیر

فصل سوم - تبدیل پول به سرمایه و نیروی کار به کالا

1- فرمول عام سرمایه و تضاد آن

چنان که در بررسی تولید کالایی ساده دیدیم، در بازار رقابت آزاد این نوع تولید، اساس مبادله بر قانون ارزش متکی است و در آن دو ارزش مصرف متفاوت که دارای ارزش مبادله ای برابری باشند با هم مبادله می شوند. گندم کار مقداری گندم می دهد تا در عوض پیراهن مورد نیاز خویش را به دست آورد. از زمانی که پول پدید آمد در روند و جریان مبادله تغییری حاصل شد، اما در ماهیت آن و هدف مبادله تغییری حاصل نشد. پس از پیدایش پول، دهقان گندم کار ابتدا گندم خود را فروخت و پول بدست آورد تا سپس با فراغت خاطر و اطمینان بیشتر دنبال پیراهن مورد نیاز خویش بگردد. ولی به هر صورت هدف او از اتمام این معامله ها عبارت بود از مبادله گندم با پیراهن و یا به عبارت دقیق تر هدف او و همچنین هدف پیراهن دوز عبارت بود از رفع نیاز و بدست آوردن ارزش مصرف مورد لزوم. اگر این مطلب را در فرمولی بیان کنیم به صورت زیر در خواهد آمد:

قبل از پیدایش پول:
 پیراهن ← گندم
 پس از پیدایش پول:

برای صاحب پیراهن که گندم لازم دارد: پیراهن ← پول ← گندم
 برای صاحب گندم که پیراهن لازم دارد: گندم ← پول ← پیراهن

چنانکه می بینیم، در هر دو طرف مبادله حتی پس از پیدایش پول کالا قرار دارد. و هدف از مبادله برای هر دو طرف عبارتست از بدست آوردن کالائی که ارزش مصرف آن مورد نیاز است.

اما با پیدایش شیوه تولید سرمایه داری این معامله وارونه می شود. در بازار کسانی پیدا می شوند که هدفشان از معامله و مبادله رفع نیاز خویش به ارزش مصرف معین نیست، بلکه کسب سود و بدست آوردن پول است. آن ها مقداری پول پیش می ریزند و با آن معامله می کنند تا سرانجام پولی بیش از آنچه پیش ریخته اند به چنگ آورند.

فرمول مبادله در این حالت کیفی جدید عبارت می شود از:

پول 1 ← کالا ← پول 2
 که در آن:

پول 2 < پول 1 (یعنی مقدار پول 2 بزرگتر است از پول 1) چنان که می بینید معمایی پدید آمده و ظاهراً قانون ارزش بهم خورده است. در نظر اول چنین به نظر می رسد که ارزش های نابرابر با هم مبادله شده اند. در تولید کالایی ساده مبادله ها بر این پایه استوار بود که کالاهای هر دو طرف مبادله ارزش برابری دارند و هدف از مبادله نیز رفع نیازمندی

است به ارزش مصرف. و اینک مبادله ای پدید آمده که اولاً " علت وجودی آن رفع نیاز طرفین به ارزش مصرف نیست، بلکه مبادله پول است با پول و ثانیاً " مقدار پولی که بدست می آید بیش از مقدار پولی است که پیش ریخته شده است. مارکس این مبلغ اضافی را که تفاوت پول 2 با پول 1 است، این فزونی ارزش دوم را نسبت به ارزش اول اضافه ارزش می نامد.

ظاهراً " معمایی وجود دارد. پول در حرکت و دوران دائمی و طی جریان مبادله، ارزشی بیش از ارزش نخستین خود به صاحبش برمی گرداند. از کجا، چگونه، منبع این اضافه ارزش کجاست؟

اقتصاد دانان بورژوا با آن که در این باره بسیار سخن گفته اند نتوانسته اند، و آنوقت که با کمک مارکس دریافته اند نخواستند پاسخ درست و علمی به این پرسش بدهند. بسیاری از آنان در سطح پدیده ها لغزیده و در این تصور عامیانه باقی مانده اند که گویا اضافه ارزش از گردش کالا حاصل می شود. این تصور به این جهت عامیانه است که با تصور انسان ساده ای که در سطح حوادث می لغزد مطابقت دارد. آنچه چنین انسان ساده ای می بیند درون کارخانه و کارگاه سرمایه داری نیست، بلکه خرید و فروش کالاها توسط بازرگانان و دکانداران است. و اگر کسی در ماهیت امر وارد نشود، تولید سرمایه داری را در نظر نگیرد و فقط خرید و فروش کالاهای عادی را در بازار ملاک قضاوت قرار دهد و در این باره نیندیشد که این کالاها چگونه و در کجا تولید شده اند که در بازار فروخته می شوند، شاید چنین گمان کند که ارزش افزایش سرمایه خود نتیجه گردش کالا است. اما تضادی که در فرمول سرمایه دیده می شود منحصر به سرمایه بازرگانی نیست، سرمایه صنعتی هم با همین فرمول می گردد. سرمایه دار صنعتی هم مبلغی سرمایه به کار می اندازد و سرانجام مبلغ بیشتری به دست می آورد. فرمول سرمایه:

پول 1 ← کالا ← پول 2 که در آن پول 2 بیشتر از پول 1 است
فرمول عام سرمایه است.

اگر در سطح پدیده ها نلغزیم و دانسته و ندانسته تسلیم "خطای باصره" نشویم به سادگی در خواهیم یافت که گردش کالا نمی تواند اضافه ارزش پدید آورد. هیچ فروشنده ای نمی تواند همواره ارزان بخرد و گران بفروشد. و اگر به فرض فروشنده جداگانه ای در معامله ای کالایی را ارزان خریده و سپس گران فروخته باشد (که کاملاً محتمل است) این گونه زرنگی ها نمی تواند بیانگر و توجیه کننده یک نظم مداوم و یک شیوه تولید باشد. هر خریداری در جای دیگر فروشنده و هر فروشنده ای در جای دیگر خریدار است. زرنگی های احتمالی در طول زمان و تکرار مداوم میلیاردری معامله ها یکدیگر را خنثی می کنند. فراموش نکنیم که فرمول عام سرمایه، به کار انداختن پول برای به دست آوردن پول بیشتر، یک اقدام منفرد، تصادفی و یک بار نیست. پایان هر دور سرمایه، آغاز دور نوینی است و ارزش افزایی ارزش تنها در درون این حرکت دائمی انجام پذیر است. حرکت سرمایه نامحدود است. اضافه ارزش در دورپیمائی سرمایه و به طور مداوم پدید می آید.

نادرستی این ادعا که گویا اضافه ارزش از گردش کالا به دست می آید زمانی روشن تر می شود که طبقه سرمایه دار را در مجموع خویش در نظر بگیریم. زیرا این حالت تصادفی که یکی از سرمایه داران در موقع معامله سر دیگران کلاه گذاشته باشد علاوه بر این که توضیح دهنده مکانیسم سرمایه داری نیست، به فرض وجود بدین معنا است که آن سرمایه دار به حساب سایر سرمایه داران، پولدارتر شده، یک سرمایه دار برده و سرمایه دار دیگری ساخته است. در این حالت تناسب تقسیم ارزش بین سرمایه داران مختلف بهم می خورد: به یکی کمتر و به دیگری بیشتر می رسد. اما مجموعه سرمایه موجود در دست آن ها و مجموع

ثروت طبقه سرمایه دار نمی تواند اضافه شود. در حالی که در جامعه سرمایه داری ارزش کل متمرکز در دست سرمایه داران بالا می رود. ثروت مجموع آن ها زیاد می شود. این ارزش که به حجم کل سرمایه ها اضافه می شود از کجا می آید؟

این پرسش را نمی توان به استناد این یا آن حالت تصادفی و این یا آن حادثه نادر و غیرعادی پاسخ گفت: اقتصاد سرمایه داری صدها سال است که این اضافه ارزش را به طور منظم بوجود می آورد. و اصولاً "برمبنای همین اضافه ارزش و به خاطر تولید و تملك آن است که اقتصاد سرمایه داری ساخته شده و می گردد و طبیعی است که اقتصاد سرمایه داری بر شالوده حوادث تصادفی و نواذر غیرعادی بنا نشده است. به جای فرار از بررسی علمی و نوعی توجیه مسایل دشوار که کار اقتصاد سیاسی عامی گرای بورژوازی است باید به کنه مسایل دست یافت.

پس سوال اصلی به جای خود باقی می ماند: تضاد در فرمول عام سرمایه از چیست؟ و اگر این منطق را بپذیریم و نمی توانیم نپذیریم که در تولید کالایی متکی بر مالکیت خصوصی و طبعا در مرحله عالی سرمایه داری آن ارزش های برابر مبادله می شوند، اضافه ارزش چگونه و از کجا پدید می آید؟

مارکس نخستین دانشمندی است که این پرسش را درست و علمی مطرح کرد و پاسخ علمی آن را یافته و سرچشمه اضافه ارزش سرمایه داری را کشف کرد و برمبنای این کشف سر تا پای مکانیسم شیوه تولید سرمایه داری، چگونگی و علل پیدایش این نظام تولیدی، تکامل و فرو پاشیدن ناگزیر آن را توضیح داد.

"آموزش اضافه ارزش پی ستون تئوری اقتصادی مارکس است"⁽¹⁾.

راه توده 181 16.06.2008

(1) سه مقاله از لنین. انتشارات حزب توده ایران. 1355. ص 7